نمی‌شد، به جایی می‌رساند که تعادل استراتژیک در حوزه نظامی و امنیتی بین جمهوری اسلامی ایران و قدرت غرب برقرار می‌شود. از غزه محاصره و ضفه نیجریه تا حوثی‌های یمن و افغانستان، سوریه، عراق، لبنان و.... این کار تنها از یک ذهن فعال، فکور و قدرت تجسم بالا برمی‌آید که صفات یک معمار است. البته هر معماری هم ماندگار نیست. این‌که یک انسان روستایی صادق و سالم کار خودش را از دورترین نقطه شروع کرده و ظرفیت خودش را این‌گونه به‌روز کند. خود بروز ظرفیت‌های درونی انسان‌ها هنر است و هنر کار معمار است. همین که ظرفیت خود را به اطرافت بتوانید ابراز و اثبات کنید یک هنر است. من می‌خواهم از این زاویه به آقای سلیمانی نگاه کنم. ویژگی منحصربه‌فرد ایشان خلاقیت، ابتکار، هوش و اعتمادبه‌نفس است. این‌که خودش، خودش را قبول داشت. آقای سلیمانی به‌عنوان معمار مقاومت، جهان اسلام را در سطح بین‌المللی به‌عنوان یک قدرت کنشگر بین‌المللی و منطقه‌ای در مقابل کنش‌های غربی تبدیل کرد. برای نمونه بگویم، آقای سلیمانی در اصل حشدالشعبی را برمبنای گروه‌های مقاومت در داخل عراق شکل داد. وقتی مقاومت علیه اشغالگری شکل گرفت، حشدالشعبی بر آن ظرف قرار گرفت. آقای سلیمانی در حمایت، سازماندهی و شکل‌دهی این گروه‌ها نقش اصلی دارد.

*** آمریکایی‌ها قطعا این موضوع را متوجه شدند.**

قطعا. به همین دلیل چند ماه قبل از شهادتش یک مقاله‌ای چاپ شد و آقای سلیمانی را به‌عنوان چند استراتژیست برتر دنیا برشمردند. استراتژیست صرفا به دنبال تبیین و ترسیم نیست.

*** در مورد خروج آمریکایی‌ها از عراق و دلیل اصلی این ماجرا برای‌مان بگویید.**

نیروهای مقاومت در مبارزه با آمریکایی‌ها که یک نبرد بسیار خشن، سخت و مقابله با ساختارهای جاسوسی-امنیتی و پراکندگی و گسترشی که آنها داشتند. همچنین نوع مقابله نیروهای مقاومت با امکانات و تجهیزات آمریکایی از یک‌سو و حضور در دستگاه‌های دولتی و بعضا در کنار مقامات سیاسی باعث شد تا آمریکایی‌ها به‌ستوه آمده و برای اولین‌بار حاضر شدند از کشوری که اشغال کرده بودند، خارج بشوند و از عراق فرار کنند. نه عقب‌نشینی اختیاری بلکه عقب‌نشینی اجباری؛ به‌گونه‌ای که در ماه‌های آخر از طریق واسطه‌ها و به‌خصوص از طریق آقای طالبانی، پیغام می‌دادند که ما می‌خواهیم از عراق برویم، اجازه بدهید ما که در حال خروج هستیم و خیلی هم در شرایط آسیب‌هستیم، به ما حمله نشود.

*** رابطه آقای جلال طالبانی با سردار سلیمانی چگونه بود؟**

رابطه بین آقای طالبانی و آقای سلیمانی یک رابطه بسیار عمیق و عجیب بود. یعنی من هنوز برخی سؤالات و ابهامات جدی در ذهنم است که چرا این دو نفر این همه از نظر عاطفی به هم نزدیک بودند؟ خب اگر ما بخواهیم آقای طالبانی را دسته‌بندی کنیم، جزو افراد مذهبی قرار نمی‌گیرد اما آقای سلیمانی [جزو] آدم‌های مذهبی قرار می‌گیرد. آقای طالبانی سیاسی است؛ آیا سیاسی بودن او و سیاسی بودن آقای سلیمانی کافی است؟ آقای طالبانی، آدم میدانی و مبارزی بود اما خیلی‌ها مبارز و میدانی هستند و آقای سلیمانی هم از ویژگی‌هایش مبارز و پای‌کار بودن است.

یادم هست که قرار بود آقای نوری مالکی (نخست‌وزیر وقت عراق) را استیضاح کنند؛ وقتی آقای طالبانی احساس کرد آقای سلیمانی نظرش این نیست - چون به‌عنوان نظر کارشناسی، آقای سلیمانی را قبول داشت- و تلاش می‌کرد این رابطه مشورتی برقرار بماند، برخلاف این‌که در ابتدا خودش موضوع استیضاح آقای نوری المالکی را مطرح کرده بود و یک فضای عمومی به‌وجود آمده بود اما در آن لحظاتی که دیگر احساس کرد آقای سلیمانی نظرش این نیست و مصلحت نمی‌داند که این اتفاق بیفتد، بلافاصله به نظر آقای سلیمانی احترام گذاشت. حتی برای آقای طالبانی هزینه‌های زیادی بین سیاسیون عراق و به‌خصوص در مجموعه کردها به‌وجود آورد.

*** به موضوع اصلی مصاحبه برگردیم. شما اشاره کردید که آقای سلیمانی باعث شد تا موازنه سیاسی در روابط خارجی در عرصه بین‌الملل شکل بگیرد. آیا این موازنه قبلا وجود نداشت؟**

نه. در موضوع روابط خارجی و بین‌الملل، مهم‌ترین اصل، موضوع هزینه است که اگر یک کسی می‌خواهد علیه شما کاری انجام دهد، بررسی می‌کند که اول می‌تواند این کار را بکند و بعد اگر توانست این کار را انجام دهد، چه پاسخ‌هایی را دریافت خواهد کرد. منظور من از تعادل این نیست که طرف مقابل توان ندارد به شما آسیبی بزند. دشمن محاسبه می‌کند که وقتی به شما ضربه‌ای زد، بعد از آن چه اتفاقی خواهد افتاد؟ به این مسأله می‌گویند تعادل! دشمن از یک مقطعی به بعد متوجه شد که اگر فلان کار را کرد، بعد بایستی یک جای دیگر پاسخ بدهد و هزینه‌اش را بالا می‌برد. برای همین است که این سؤال به‌وجود آمده که مگر آمریکایی‌ها توان ندارند که به ایران حمله کنند، پس چرا چنین اتفاقی نمی‌افتد؟ چه کسی چنین قدرتی را برای ایران به‌وجود آورد؟ آقای سلیمانی این وضعیت را به‌وجود آورد. نه این‌که صرفا از آقای بشار اسد دفاع کرد؛ نه! به این راحتی نیست که هرکجا رفتی، بخواهی یک رژیم را عوض کنی! حق نداری عوض کنی.

در همین بحث سوریه سه سطح بین ایران و آنها وجود داشت؛ سطح اول، اخلاق و عمل. زمانی که ما در دوره‌ای درگیر جنگ با رژیم بعث عراق بودیم، همه غرب پشت صدام بودند و حتی روس‌ها به ما سلاح و تجهیزات نمی‌دادند. حافظ اسد این کار را کرد. خب حالا اخلاق ایجاب می‌کرد که ما هم به کمک سوریه برویم. سطح دوم، جریان مقاومت است. سوریه یک رکنی از ارکان مقاومت بوده که اصلا هدف‌گذاری برای این شده که این رکن برداشته بشود و فرش را از زیر پای مقاومت بکشند. سطح سوم، بین‌المللی است. آمریکا آمده بود تا اراده‌اش را به ما و منطقه تحمیل کند، ما نمی‌خواستیم بگذاریم اراده‌اش تحمیل بشود. غرب می‌خواست تغییراتی به‌وجود بیاورد، ما نگذاشتیم. هر سه سطح برای سوریه، وقتی نگاه می‌کنید در تحلیل، رفتار و عمل آقای سلیمانی وجود دارد و این وضعیت را برای ما به‌وجود می‌آورد که تعادل ایجاد می‌کند. تعادل یعنی چی؟ تعادل یعنی در همان نقطه ماندن؛ این‌که دشمن می‌خواهد مسأله‌ای را عوض کند و نتواند.